گزارش

سازمان ملل در آستانه بحران بودجه

شرق: در دل کمپ پناهندگان کاکوما در شمال کنیا، خانواده‌هایی مانند اوژن سیمانیمپایه و فرزندانش سال‌هاست به کمک‌های سازمان ملل برای زنده‌ماندن متکی‌اند؛ خانواده‌هایی که جنگ و ناامنی آنها را به مهاجرت اجباری کشانده و امیدشان به همین وعده‌های غذایی ساده و خدمات حمایتی است. اما امروز، کاهش بودجه و حذف برخی برنامه‌های امدادی سازمان ملل، زندگی این پناه‌جویان را بیش از هر زمان دیگری به خطر انداخته است.

سیمانیمپایه، مادری ۴۱ساله و اهل کنگو، به خبرنگار ما می‌گوید: «بازگشت برای ما ممکن نیست. هنوز مردم کشته می‌شوند». او که بیش از یک دهه است با ۹ فرزندش تحت حمایت سازمان ملل در کمپ زندگی می‌کند، مانند هزاران نفر دیگر در کنیا و شرق آفریقا، سال‌ها در انتظار صلح و ثبات مانده است. سه سال پیش، خانواده او از کمپ ناکیواله در اوگاندا به کنیا مهاجرت کردند؛ کشوری که حالا بیش از یک میلیون پناه‌جو را در خود جای داده است.

کمی دورتر، در کمپ کالوبیئی، مادر دیگری به نام بهاتی موسابا که پنج فرزند دارد، می‌گوید: «از سال ۲۰۱۶ تا امروز، آژانس‌های سازمان ملل آموزش و غذای فرزندانم را تأمین کرده‌اند و حتی کمک نقدی هم دریافت می‌کردیم»، اما امسال، همان کمک‌های نقدی که امید خانواده‌هایی مانند او به آینده بود، قطع شده است؛ بحرانی که تنها به کنیا محدود نمی‌شود و میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان تهدید می‌کند.

امسال، سازمان ملل در حالی هشتادمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرد که آژانس‌های بشردوستانه‌اش با یکی از سخت‌ترین بحران‌های مالی تاریخ مواجه‌اند. دولت ترامپ و بسیاری دیگر از کشورهای غربی -به بهانه ضرورت‌های دفاعی و ملی- به طور چشمگیر بودجه کمک‌های خارجی را کاهش داده‌اند. همین موضوع باعث شده بسیاری از پروژه‌ها متوقف شده یا در آستانه تعطیلی قرار بگیرند.

در این شرایط، رقابت بین آژانس‌های سازمان ملل برای جذب منابع اندک، به معضل جدیدی بدل شده است. برخی دیپلمات‌ها می‌گویند این رقابت به جای آنکه سازمان ملل و شرکایش را در مسیر نجات جان میلیون‌ها انسان متحد کند، به ستیز و اختلاف میان آنها دامن زده است. کارشناسان معتقدند تداوم این روند، اعتبار تاریخی و نقش حیاتی سازمان ملل را تضعیف خواهد کرد؛ همان نهادی که در دهه‌های گذشته از بحران‌هایی مانند گسترش بیماری‌های واگیردار، قحطی و جنگ جلوگیری کرده و بارها در تأمین سرپناه و غذا برای پناه‌جویان نقش کلیدی داشته است.

یان اگلاند، رئیس شورای پناه‌جویان نروژ و مدیر پیشین امدادرسانی سازمان ملل، وضعیت فعلی را بی‌سابقه توصیف می‌کند و به آسوشیتدپرس می‌گوید: «در مدت ۴۰ سال فعالیتم، هیچ‌گاه چنین تلاطم و شکاف عمیقی بین نیازهای انسانی و بودجه‌های امدادی ندیده‌ام».

در واکنش به این بحران مالی، آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل، از روسای آژانس‌ها خواسته است تا ۲۰ درصد از کارکنان خود را تعدیل کنند؛ اقدامی که هزاران نفر را در سراسر جهان از کار بی‌کار کرده و خدمات امدادی را محدود ساخته است. طرح‌های اصلاحی بزرگی نیز در دست بررسی است که می‌تواند ساختار و شیوه توزیع کمک‌های سازمان ملل را دگرگون کند.

این تصمیمات سخت، تأثیر مستقیمی بر زندگی میلیون‌ها نفر داشته است. کمک‌های غذایی، خدمات بهداشتی و حتی برنامه‌های آموزش برای کودکان پناه‌جو یا خانواده‌های بی‌خانمان در کشورهای بحران‌زده، به‌شدت کاهش یافته و در بسیاری موارد متوقف شده است.

در همین حال، امدادگران سازمان ملل که اغلب به مناطق پرخطر و دورافتاده می‌روند، خود با تهدیدات جانی روبه‌رو هستند. سال ۲۰۲۴، به‌عنوان مرگ‌بارترین سال برای نیروهای امدادی ثبت شد؛ بسیاری از این جان‌باختگان ناشی از جنگ غزه و مناطق دیگر بحران‌زده بود. به‌عنوان نمونه، در یمن، پس از بازداشت ده‌ها نفر از نیروهای سازمان ملل و نهادهای همکار، ارسال کمک‌ها متوقف شده است.

در کنار بحران مالی، منتقدان معتقدند برخی از برنامه‌های امدادی سازمان ملل با بوروکراسی شدید و نبود شفافیت روبه‌رو است و فاصله زیادی با نیازهای واقعی میدانی دارد. آنها بر این باورند که کمک‌های بی‌پایان غرب، وابستگی و فساد را در برخی کشورها گسترش داده و در برخی موارد، برنامه‌های زمان‌دار امدادی برای سال‌ها ادامه یافته و به یک جریان دائمی بدل شده است.

به گفته یان اگلاند، کاهش بودجه هرچند «بی‌رحمانه» و شوکه‌کننده بوده اما شاید فرصتی باشد تا منابع بیشتری به خطوط مقدم امدادرسانی و نیازهای واقعی انسان‌ها برسد، به جای اینکه صرف حقوق کارمندان و جلسات بی‌پایان شود.

برنامه جهانی غذا و آژانس‌های پناهندگان و مهاجرت سازمان ملل متحد، بیش از ۴۰ درصد بودجه خود را از آمریکا دریافت می‌کردند و کاهش بودجه ایالات متحده به‌شدت این نهادها را دچار مشکل کرده است. فقط دولت ترامپ حدود ۶۰ میلیارد دلار از کمک‌های خارجی را کاهش داده و بسیاری از پروژه‌ها به اجبار تعطیل یا کوچک‌سازی شده‌اند.

این وضعیت بیش از همه، پناه‌جویان و محرومان در کشورهایی مانند سوریه، سودان، میانمار و ونزوئلا را هدف قرار داده است؛ کشورهایی که درگیر جنگ و بی‌ثباتی هستند و بدون کمک‌های سازمان ملل، عملا هیچ راهی برای زنده‌ماندن ندارند.

کاهش بودجه و ناامیدی پناه‌جویان

در بیروت، پناه‌جویانی مانند عیسی حج حسن و ابتسام سالم می‌گویند که بدون حمایت آنروا حتی زنده‌ماندن برای‌شان ممکن نیست. حج حسن می‌گوید که داروهای خود و همسرش را مدیون خدمات آنروا است و ابتسام سالم تأکید دارد که کمک‌های این نهاد، خانه، درمان و آموزش فرزندانش را فراهم کرده است.

نیازهای جهانی به‌ویژه در حوزه غذا و تغذیه، در حال افزایش بی‌سابقه است. کارل اسکائو، معاون اجرائی برنامه جهانی غذا، اعلام کرده است که امسال ۳۴۳ میلیون نفر با ناامنی غذایی شدید روبه‌رو هستند؛ این رقم در مقایسه با چهار سال قبل سه برابر شده است، اما بودجه پاسخ‌گویی به آن ۴۰ درصد کاهش یافته است. همین کاهش بودجه باعث شده برنامه جهانی غذا قصد داشته باشد تا یک‌چهارم از نیروی انسانی ۲۲ هزارنفره خود را تعدیل کند.

در چنین فضایی، پرسش اساسی این است که سازمان ملل چگونه می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد امدادرسان جهانی حفظ کند؟ بسیاری از شرکای سازمان ملل، از جمله GAVI (برای توزیع واکسن) و صندوق جهانی مقابله با بیماری‌ها نیز تحت تأثیر مستقیم کاهش بودجه آمریکا قرار گرفته‌اند.

ورود برخی نهادهای خصوصی یا دولتی مانند بنیاد امدادرسانی انسانی غزه به صحنه کمک‌رسانی، تاکنون نتوانسته کمبود منابع را جبران کند و حتی در مواردی، توزیع کمک‌ها با خشونت و ناآرامی همراه بوده است. نه کشورهای ثروتمندی مانند چین و دولت‌های نفتی منطقه و نه هیچ نهاد خصوصی دیگری، نتوانسته‌اند جای خالی منابع آمریکا و غرب را پر کنند.

در نهایت، کارشناسان معتقدند سرنوشت امدادرسانی سازمان ملل و نقش تاریخی این نهاد در گرو تصمیم کشورهای عضو است؛ یا آنها به سازمان ملل قدرت و اعتبار لازم را خواهند داد یا با ادامه وضعیت کنونی، این نهاد بزرگ را عملا فلج خواهند کرد. این آینده، اکنون در دستان سیاست‌مداران جهان است.

اختلافات رئیس‌جمهور و مقام‌های اطلاعاتی آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای ایران

جنگ قدرت میان ترامپ و جاسوسان

شرق: در بحبوحه تنش‌های بی‌سابقه میان ایران و غرب، اختلافات میان رئیس‌جمهور آمریکا و مقام‌های اطلاعاتی درباره توان هسته‌ای ایران و همچنین خلأ رهبری در آژانس‌های امنیتی واشنگتن، به کانون توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرد که تولسی گابارد درباره توان هسته‌ای ایران اشتباه می‌کند. ترامپ، بار دیگر بر موضع خود پافشاری کرد و گفت مقام‌های دولت خودش در برآورد میزان پیشرفت ایران در ساخت بمب هسته‌ای اشتباه می‌کنند.

او در گفت‌وگویی با خبرنگاران، خارج از هواپیمای اختصاصی‌اش، در پاسخ به این سؤال که «چه اطلاعاتی دارید که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای است؟ جامعه اطلاعاتی شما می‌گوید هیچ شواهدی برای این موضوع وجود ندارد»، پاسخ داد: «در این صورت، جامعه اطلاعاتی من اشتباه می‌کند. چه کسی در جامعه اطلاعاتی من این را گفته است؟».

خبرنگار پاسخ داد: «مدیر اطلاعات ملی شما، تولسی گابارد». ترامپ بلافاصله واکنش نشان داد: «او اشتباه می‌کند». او افزود: «در عرض چند هفته یا حداکثر چند ماه، ایران می‌تواند به سلاح هسته‌ای دست یابد. ما نباید اجازه دهیم چنین اتفاقی بیفتد».

در همین حال، تولسی گابارد در ماه مارس به کنگره اعلام کرده بود جامعه اطلاعاتی آمریکا «همچنان ارزیابی می‌کند که ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و ایران از سال ۲۰۰۳ برنامه ساخت سلاح هسته‌ای را متوقف کرده و اجازه ازسرگیری آن را نداده است».

او همچنین تأکید کرده بود که آمریکا با دقت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را رصد می‌کند و ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران در بالاترین سطح خود قرار دارد؛ سطحی بی‌سابقه برای کشوری که سلاح هسته‌ای ندارد.

این دومین باری بود که ترامپ به‌طور مستقیم با تولسی گابارد درباره این موضوع مخالفت می‌کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر نیز در مصاحبه‌ای گفته بود: «اصلا اهمیتی نمی‌دهم او چه فکر می‌کند».

ترامپ که پس از بازگشت از اجلاس سران گروه ۷ در کانادا با خبرنگاران صحبت می‌کرد، بار دیگر تأکید کرد: «به نظر من آنها خیلی به داشتن سلاح هسته‌ای نزدیک بودند».

تولسی گابارد بعدها در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان تأکید کرد که صحبت‌هایش از زمینه اصلی خود خارج شده و او با رئیس‌جمهور در این زمینه هم‌نظر است.

او همچنین در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، ضمن بازنشر بخشی از اظهاراتش در جلسه کنگره نوشت: «رسانه‌های غیرصادقانه به عمد شهادت من را از متن اصلی خارج کرده‌اند و اخبار جعلی را به منظور ایجاد اختلاف منتشر می‌کنند. آمریکا اطلاعاتی دارد که نشان می‌دهد ایران می‌تواند ظرف چند هفته تا چند ماه، اگر تصمیم به نهایی‌سازی مونتاژ بگیرد، سلاح هسته‌ای تولید کند. رئیس‌جمهور ترامپ هم به روشنی گفته که نباید اجازه دهیم چنین اتفاقی بیفتد و من هم موافقم. متن کامل شهادت من در ادامه آمده است».

ژنرال اریک کوریا، فرمانده نیروهای آمریکا در خاورمیانه نیز اخیرا در کنگره شهادت داد که ایران می‌تواند ظرف سه هفته به اندازه کافی مواد هسته‌ای برای ساخت ۱۰ سلاح تولید کند. البته او توضیح نداد که مونتاژ نهایی یک بمب چه مدت طول می‌کشد. در همین حال، سخنگوی مطبوعاتی ترامپ ادعا کرد: «ایران می‌تواند ظرف چند هفته بمب هسته‌ای تولید کند. بیایید کاملا شفاف باشیم، ایران همه چیز لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را دارد. فقط یک تصمیم از سوی مقام‌های ارشد باقی مانده و بعد از آن، چند هفته طول می‌کشد تا ساخت سلاح کامل شود. این مسئله نه‌تنها برای اسرائیل، بلکه برای آمریکا و کل جهان تهدید وجودی محسوب می‌شود».

یک مقام ارشد اطلاعاتی نیز گفت نگرانی ترامپ بجاست؛ زیرا غنی‌سازی اورانیوم در ایران فراتر از نیازهای داخلی است. مقام ارشد دیگری از دولت آمریکا نیز اظهار کرد که ایران به بیشترین میزان نزدیکی به ساخت سلاح هسته‌ای رسیده است، بدون آنکه عملا آن را ساخته باشد. هر دو مقام، به دلیل حساسیت موضوع، خواستار ناشناس‌ماندن شدند.

این موضع‌گیری صریح ترامپ در برابر گابارد یادآور دوران نخست ریاست‌جمهوری اوست؛ زمانی که او رهبران اطلاعاتی آمریکا را بخشی از «دولت پنهان» می‌دانست که با سیاست‌هایش مخالفت می‌کنند؛ به‌ویژه در سال ۲۰۱۸، وقتی در پاسخ به پرسشی درباره دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶، به صراحت جانب ولادیمیر پوتین را گرفت و گفت: «پوتین با قدرت و قاطعیت هرگونه دخالت را رد کرده است».

معمای انتخاب رئیس جدید آژانس امنیت ملی آمریکا

در همین حال، اخیرا کاخ سفید گزینه پیشنهادی پنتاگون برای ریاست یکی از مهم‌ترین نهادهای اطلاعاتی آمریکا و فرماندهی نیروی سایبری این کشور را رد کرد؛ موضوعی که به نقل از سه منبع مطلع، به تداوم خلأ رهبری در رأس یکی از نهادهای کلیدی امنیتی آمریکا منجر شده است. براساس این گزارش، تصمیم به عدم معرفی سپهبد ریچارد انگل، فرمانده ارتش، به‌عنوان رئیس آژانس امنیت ملی (NSA) و فرمانده سایبرکام، با وجود حمایت وزیر دفاع، پیت هگزث و مدیر اطلاعات ملی، تولسی گابارد، گرفته شده است. یک مقام ارشد اطلاعاتی و دو مقام پیشین امنیت ملی آمریکا این موضوع را تأیید کرده‌اند؛ هرچند به دلیل حساسیت، خواستار ناشناس‌ماندن شدند.

هنوز مشخص نیست چرا کاخ سفید تصمیم به کنارگذاشتن نام انگل گرفته یا حتی آیا او فرصت مصاحبه با ترامپ را داشته است یا نه. سخنگوی پنتاگون پاسخ به این پرسش را به کاخ سفید حواله داد و مقامات کاخ سفید نیز واکنشی نشان ندادند.

کنار رفتن انگل از روند انتخاب، پس از آن رخ داد که رسانه‌ها گزارش دادند هر دو نفر، یعنی هگزث و گابارد، در زمینه سیاست‌های ایران نفوذ کمتری بر کاخ سفید دارند. ترامپ در ماه آوریل، بدون هیچ توضیحی، رئیس پیشین NSA، ژنرال تیموتی هاگ و معاون او را پس از جلسه‌ای با فعال سیاسی راست‌گرا، لورا لومر، برکنار کرد.

در شرایطی که آمریکا به دنبال یافتن رهبر دائمی برای این آژانس قدرتمند شنود اطلاعاتی است، وقوع جنگ میان اسرائیل و ایران و احتمال کشیده‌شدن مستقیم آمریکا به این منازعه، حساسیت جایگاه مذکور را دوچندان کرده است. ترامپ نیز گفته ظرف دو هفته آینده درباره ورود آمریکا به جنگ تصمیم خواهد گرفت.

انگل، برخلاف رؤسای پیشین آژانس امنیت ملی، سابقه‌ای غیرمعمول دارد. او اکنون فرمانده فرماندهی عملیات ویژه نیروهای متحد و فرماندهی عملیات ویژه اروپاست. اگرچه در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان جانشین فرمانده عملیات سایبری ارتش آمریکا خدمت کرده، اما نسبت به رؤسای اخیر NSA، ازجمله هاگ و ژنرال پل ناکازونه، سابقه کمتری در زمینه امنیت سایبری و اطلاعاتی دارد.

رئیس آژانس امنیت ملی هم‌زمان مسئولیت فرماندهی سایبرکام را نیز بر عهده دارد؛ ترتیبی که ظاهرا دولت ترامپ در حال بازنگری در آن است؛ هرچند هگزث در شهادت روز چهارشنبه اعلام کرد فعلا «وضع موجود حفظ خواهد شد». انتصاب رئیس NSA نیازمند تأیید سناست.

پیشینه انگل در نیروهای ویژه ممکن است با تمایل هگزث برای تغییر رویکرد پنتاگون و تمرکز بر «توان رزمی» همسو باشد. یکی از مقام‌های پیشین امنیت ملی و همچنین یک مقام سابق دولت ترامپ گفتند انگل ماه گذشته در حاشیه کنفرانسی در تمپای فلوریدا، با هگزث دیدار کرده است.

جزئیات افزایش تسلیحات هسته‌ای پکن

زرادخانه پنهان چین

شرق: طبق جدیدترین آمار مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)، چین با سرعتی فراتر از هر کشور دیگری زرادخانه هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد. برآوردها نشان می‌دهد پکن اکنون بیش از ۶۰۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد و هر سال حدود ۱۰۰ کلاهک جدید به این ذخیره اضافه می‌کند. به این ترتیب تا سال ۲۰۳۵ تعداد کلاهک‌های هسته‌ای چین به بیش از ۱۵۰۰ خواهد رسید؛ هرچند این رقم همچنان فقط یک‌سوم زرادخانه روسیه و آمریکاست، اما به هر حال افزایش چشمگیری محسوب می‌شود و نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن چین از سیاست اعلامی خود مبنی بر «بازدارندگی حداقلی» است. برای تحقق این برنامه عظیم، چین در مناطق بیابانی غرب خود در حال ساخت مجموعه‌ای از سیلوهای موشکی جدید است. فدراسیون دانشمندان آمریکایی با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای این سیلوها را شناسایی کرده و از آنها به‌عنوان «بزرگ‌ترین گسترش زرادخانه هسته‌ای چین در طول تاریخ» یاد کرده است.

نگرانی پنتاگون

وزارت دفاع آمریکا معتقد است چین برنامه دارد تا سال ۲۰۳۰ ذخایر تسلیحات هسته‌ای خود را چهار برابر کند. این نگرانی‌ها با آزمایش‌های ارتش آزادی‌بخش خلق چین بر روی تسلیحات فراصوتی هسته‌ای که با هدف عبور از سپر دفاع هسته‌ای آمریکا طراحی شده‌اند، شدت یافته است. یکی از این آزمایش‌ها شامل پرتاب موشکی به فضا بود که پس از یک دور کامل به دور زمین، گلایدر هسته‌ای فوق‌پیشرفته‌ای را در مدار رها کرد. این گلایدر با قابلیت مانور بالا -که به یک شاتل فضایی تسلیحاتی تشبیه شده- می‌تواند پس از حرکت در جو زمین، با سرعتی تا پنج برابر صوت به سمت هدف خود شیرجه بزند. تسلیحات فراصوتی به مراتب شناسایی و نابودی دشوارتری نسبت به موشک‌های بالستیک معمول دارند.

در واکنش به این انتقادات، سخنگوی وزارت خارجه چین تأکید کرده: «چین همواره به استراتژی دفاعی هسته‌ای پایبند بوده، زرادخانه هسته‌ای خود را فقط در سطح مورد نیاز برای امنیت ملی حفظ کرده و هرگز وارد مسابقه تسلیحاتی نشده است». این ادعا، مشابه روایت کلیشه‌ای «ظهور مسالمت‌آمیز» چین است، اما درک دکترین نظامی در حال تحول این کشور به‌ویژه با خودداری پکن از حضور در مذاکرات کنترل تسلیحات هسته‌ای، بسیار دشوارتر شده است.

تعلیق مذاکرات هسته‌ای با آمریکا

سال گذشته، چین مذاکرات درباره کنترل تسلیحات و عدم اشاعه هسته‌ای با آمریکا را ظاهرا به دلیل فروش تسلیحات آمریکایی به تایوان، متوقف کرد. البته پکن همواره در این مذاکرات مشارکت محدودی داشته است. اکنون چین در یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های تقویت نظامی زمان صلح مشارکت دارد، اما هیچ‌یک از پروتکل‌ها یا شفافیت‌های متقابل که در دوران جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت و موجب نوعی ثبات نسبی می‌شد، درباره چین برقرار نیست.

تحلیلگران غربی معتقدند یکی از اهداف این توسعه سریع، بازداشتن آمریکا از دفاع از تایوان است؛ جزیره‌ای که چین آن را متعلق به خود می‌داند و بارها به تهدید حمله نظامی به آن پرداخته است. پیام نه چندان پوشیده پکن به واشنگتن این است که آمریکا اشتباه می‌کند اگر تصور کند درگیری بر سر تایوان محدود به همان منطقه باقی خواهد ماند و تهدیدی برای خاک اصلی آمریکا نخواهد بود.

پاک‌سازی و ابهام در دکترین نظامی

درک سیاست‌های نظامی چین با توجه به پاک‌سازی‌های اخیر در رده‌های بالای ارتش و فضای پرابهام حزب کمونیست چین، دشوارتر نیز شده است. اوایل امسال، ژنرال «هه وِیدونگ»، نفر دوم ارتش و عضو پولیتبروی ۲۴نفره حزب کمونیست، از مقام خود برکنار شد. پیش از او، دریادار «میائو هوا» که علاوه بر عضویت در کمیسیون مرکزی نظامی، ریاست اداره امور سیاسی ارتش را بر عهده داشت، ناپدید شد. این کمیسیون، عالی‌ترین نهاد نظامی چین است و ریاست آن بر عهده شی جین‌پینگ قرار دارد.

میائو، مسئول تضمین کنترل حزب کمونیست بر ارتش بود و در سلسله مراتب نظامی، حتی قدرتمندتر از وزیر دفاع دانگ جون به‌شمار می‌رفت. شایعاتی نیز درباره تحت پیگرد بودن دانگ منتشر شده بود؛ او فعلا در سمت خود باقی مانده، اما در صورت برکناری، سومین وزیر دفاع متوالی خواهد بود که با اتهام فساد روبه‌رو می‌شود.

شاخه موشکی ارتش چین که مسئولیت بخش مهمی از تسلیحات هسته‌ای را برعهده دارد و از محرمانه‌ترین بخش‌های ارتش محسوب می‌شود نیز هدف پاک‌سازی گسترده قرار گرفته است؛ دو فرمانده اصلی این نیرو برکنار شده‌اند. افزون بر اینها، فرمانده نیروی دریایی مسئول دریای جنوبی چین و شماری از مسئولان خرید تجهیزات -که همواره یکی از فاسدترین بخش‌های ارتش بوده- نیز تصفیه شده‌اند.

زمانی که شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲ قدرت را به دست گرفت، وعده داد که ارتش را پاک‌سازی خواهد کرد؛ ارتشی که امپراتوری اقتصادی بزرگی اداره می‌کرد و آمادگی نظامی در آن اغلب در اولویت دوم قرار داشت. با وجود -یا شاید به دلیل همین تلاش‌ها- فساد در ارتش گویا شدت گرفته است. البته «فساد» اغلب به عنوان ابزاری برای حذف افرادی به کار می‌رود که وفاداری کافی به رهبر ندارند. از آنجا که بسیاری از برکنارشدگان از منصوبان خود شی هستند، این موضوع بی‌تردید به چشم‌انداز و توانایی‌های او لطمه وارد خواهد کرد.

آمارهای این هفته SIPRI به روشنی ابعاد نگران‌کننده جاه‌طلبی‌های هسته‌ای چین را تأیید می‌کند. با این حال، برای مقامات عالی‌رتبه‌ای که مأموریت مدیریت این سلاح‌های ترسناک را دارند، به نظر می‌رسد رقابت و بقا در ساختار قدرت متزلزل حزب کمونیست چین به مراتب خطرناک‌تر از میدان نبرد باشد.

گزارش

بحران جدید در بروکسل

شرق: رئیس کمیسیون اروپا، با بزرگ‌ترین چالش دوران ریاستش روبه‌رو شده است؛ آن‌هم پس از آنکه احزاب سیاسی پارلمان تهدید کرده‌اند به دلیل لغو قانون حمایت از محیط زیست، پشتیبانی خود را از او پس می‌گیرند. والری هایر، رئیس فراکسیون لیبرال «تجدید اروپا» در پارلمان، با انتقاد از این تصمیم گفت: «در آستانه یک بحران نهادی قرار داریم».فن در لاین، که از حزب مردم اروپا (EPP) و جناح راست میانه می‌آید، هرچند بزرگ‌ترین گروه پارلمان اروپاست، اما برای پیشبرد طرح‌هایش به حمایت سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها نیاز دارد. اگر این گروه‌ها حاضر به همکاری نشوند، روند تصویب قوانین جدید اتحادیه اروپا عملا مختل می‌شود. کمیسیون اروپا اعلام کرد که لایحه «ادعاهای سبز» را کنار می‌گذارد؛ این قانون قرار بود شرکت‌ها را بابت ادعاهای بی‌پشتوانه محیط‌زیستی پاسخ‌گو کند و مراحل زیادی از روند قانون‌گذاری را نیز پشت سر گذاشته بود. این تصمیم، که به درخواست گروه EPP در پارلمان اتخاذ شد، با استقبال محافظه‌کاران راست‌گرای اروپایی و همچنین گروه‌های راست افراطی مانند «میهن‌پرستان برای اروپا» به رهبری مارین لوپن و ویکتور اوربان روبه‌رو شد. والری هایر در واکنش گفت: «اگر کمیسیون این قانون را کنار بگذارد، ما در فراکسیون تجدید اروپا این اقدام را تهدیدی جدی برای ائتلاف اکثریت طرفدار اروپا می‌دانیم». سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها، فن در لاین را به همسویی با جریان‌های راست متهم کردند؛ جریان‌هایی که خواهان حذف همه سیاست‌های سبز اتحادیه اروپا هستند و به گفته منتقدان، اراده گروه‌هایی که فن در لاین را به قدرت رساندند، نادیده گرفته شده است. در پارلمان اروپا ائتلاف رسمی وجود ندارد، اما سه جریان اصلی یعنی حزب مردم اروپا، سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها همواره برای پیشبرد برنامه‌ها به همکاری متقابل متکی بوده‌اند و حتی در نوامبر توافق‌نامه‌ای برای همکاری امضا کرده‌اند. با این حال، EPP بارها با راست‌گرایان و راست‌های افراطی برای تصویب برخی طرح‌ها یا جلوگیری از تصویب لوایح سبز همراه شده است؛ ازجمله همین هفته، گزارشی درباره تأمین مالی پروژه‌های توسعه و دو لایحه درباره هوش مصنوعی و ثبت اختراعات را به شکست کشاند و همچنین نهاد جدیدی برای بررسی تأمین مالی سازمان‌های غیردولتی ایجاد کرد.

سایه رسوایی‌های پیشین

کنارگذاشتن قانون ضد سبزشویی شاید آخرین قطره برای سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها باشد؛ به‌ویژه آنکه آنها پیش‌ازاین نیز درباره اقداماتی مانند پرونده موسوم به «فایزرگیت» معترض بودند، جایی که دادگاه اتحادیه اروپا کمیسیون را به خاطر خودداری از انتشار پیامک‌های ردوبدل‌شده بین رئیس کمیسیون و مدیرعامل فایزر در دوران کرونا محکوم کرد. یک مقام ارشد فراکسیون تجدید اروپا گفت: «ما تا حالا از او در پرونده فایزرگیت حمایت کردیم، اما اگر این روند ادامه یابد، دیگر حمایتی در کار نخواهد بود». او افزود: «اگر همکاری‌ها را متوقف کنیم، عملا روند قانون‌گذاری اتحادیه اروپا قفل خواهد شد». به گفته این مقام، مشکل حالا این است که کمیسیون اروپا به جای پاسخ‌گویی به ائتلاف میانه‌رو، تحت تأثیر جناح راست جایگزین قرار گرفته است. سخنگوی حزب مردم اروپا هم از تصمیم کمیسیون حمایت کرد و گفت متن فعلی مذاکرات می‌توانست «به کابوسی بوروکراتیک برای شرکت‌ها تبدیل شود». سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها همچنین کمیسیون و رئیس آن را به نادیده‌گرفتن روند قانونی اتحادیه متهم کرده‌اند؛ چراکه لایحه ضد سبزشویی در مرحله نهایی مذاکرات بین پارلمان و شورای اروپا بود و هر دو نهاد مواضع خود را پس از ماه‌ها کار هماهنگ کرده بودند. یکی از مقامات سوسیالیست گفت این وضعیت آنها را وادار به بازنگری در کل مبنای حمایتی‌شان از فن در لاین کرده است و اگر او این مسیر را ادامه دهد، دیگر هیچ ائتلافی باقی نخواهد ماند.